

ای علمای امت؛ شما وارتان پیامبران و امینان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر بندگان الله سبحانه و تعالی هستید؛ پس میراث خود را به حق بر دوش کشید و در خور این امانت بزرگ، پیشوایان امت در مسیر بازگشت به شکوه و سروری جهان باشید. قیام کنید تا امت، قدرت و حاکمیت خویش را از غاصبان بازپس گیرد؛ آن مرزهای استعماری را که غرب میان سرزمین های اسلامی ترسیم کرده است، ریشه کن سازید و کل این جغرافیا را به یک دولت واحد آن گونه که بود، بازگردانید. پیش قدم شوید تا شما و امت، با خلیفای بیعت کنید که حکم الله سبحانه و تعالی را در میان شما اقامه کند، تا جهانیان، اسلام را در قالب واقعیتی عینی و نظاممند مشاهده کنند و گروه گروه به دین حق در آیند. خوشا به سعادت شما در آن روز! که تمام این خیر عظیم در کارنامه اعمالتان ثبت گردد و با چنین دست بُری به دیدار پروردگارتان بشنایید.



روزنامه سیاسی هفتگی

در این شماره می خوانید :

مبلغان میان قدرت سیسی و مقتضیات شرع...۲

رقابت تسلیحاتی میان چین و آمریکا...۲

درگیری رواندا و کنگو و طرح ترامپ برای حل و فصل آن...۳

غرب استعمارگر و حکام مزور؛ دو لبه یک پیچی...۴

نوسان های موضع برهان؛ از بسج نظامی تا صلح با ترامپ...۴

چهارشنبه ۲ رجب ۱۴۴۱ هـ، ۲۴ دسامبر ۲۰۲۵ م، ۴ دی ۱۴۰۴ ش

مقاله برگزیده

بگذار رجب امسال گواه برپایی خلافت بر روش نبوت باشد

استاد مصعب عمیر – ولایت پاکستان

مرحوم

ای امت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، ای کسانی که پیامبران بهمنوان رحمتی برای جهانیان برانگیخته شد:

در طول دو سال سخت، حاکمان مسلمان، این مزدوران غرب، مانع از بسپج ارتش های ما برای جنگ با رژیم یهود شدند، با وجود اینکه ما از آن ها خواستیم. سپس ترامپ، فرعون این زمان، دستور آتش بسیی بین گذاری شده را داد که طبق آن مقاومت باید آتش بس کند در حالیکه او به باریدن آتش بر سر آن ها ادامه می دهد و اکنون ترامپ با کمک مزدورانش در سرزمین های اسلامی، تدارک می بیند تا ارتش های مسلمانان را تحت فرماندهی ارتش آمریکا بسپج کند تا امنیت رژیم یهود را تأمین و مجاهدین را صلح قطع نماید!

در کنار خیانت حاکمان مسلمان، رژیم یهود محاصره وحشیانه خود بر غزه را ادامه می دهد و مانع ورود کمک های شورش پستانه جانی از جمله چادر، پتو، دارو، سوخت و سایر ضروریات اساسی می شود؛ در حالیکه سدها هزار نفر از مردم غزه با طوفان های زمستانی سهمگین روبرو هستند که سرمای شدید، بادهای تند، باران های سیل آسا و سیلاب های گسترده به همراه آورده است.

ای بهترین امتی که برای مردم پدیدار شده است: حال و روزت از زمان نبوتی خلافت در ۲۸ رجب ۱۳۴۴ هـ، ۳ مارس ۱۹۶۴ م، چگونه است؟ زندگی های ملو از اشغالگرها، تجاوزها، خشکسها، تحقیر، فقر و بدبختی... آیا وقتی دیمان بر ما اجرا نمی شود، می توان انتظاری غیر از این داشت؟ الله سبحانه و تعالی به ما هشدار داد و فرمود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» «و هر کس از ذکر من روی گرداند، زندگی تنگی خواهد داشت و آيا می توان انتظار دیگری داشت در حالیکه با بدون سبری هستیم که از ما محافقت کند و بدون خلیفه صالحی که با اسلام بر ما حکومت کند و ارتش هایمان را علیه دشمنان بسپج نماید؟ در حالیکه صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم به ما هشدار داد و فرمود: «مَنْ دَرَجَاتُكَ اسْتَغْنَى عَنْكَ» «اما بر شما هجوم آورد، همان گونه که گرسنگان بر کاسه غذای خود هجوم می آورند».

به یاد داشته باشید که ماه رجب همیشه ماه اندوه و ویرانی نبوده است، بلکه در زمان اجرای اسلام شاهد پیروزی های بزرگی بر دشمنان امت بوده است. در رجب نبرد حوٲه رخ داد، اولین نبرد بزرگ بین مسلمانان و رومیان؛ نبردی علیه بزرگترین قدرت کفر در آن زمان، یعنی دولت اول دوران خویش، جایی که در آن سیف الله المصلول خاندن بود با سه هزار جنگجو در برابر ارتش رومیان که تعدادشان نزدیک به دویست هزار نفر بود، قبیله شینی پیروزمندان انجام داد و با این حال مسلمانان شکست نخوردند و رومیان پیروز نشدند. پس چه کسی امروز با بزرگترین قدرت کفر عصر ما، آمریکا، روبرو خواهد شد؟

همچنین ماه رجب شاهد آردسازی بیت المقدس به دست صلاح الدین ایوبی، در هم کوبیدن صلیبیون بود که الاقصی را پس از دهها اشغال صلیبی به آتش اسلام بازگرداند. پس چه کسی امروز الاقصی را دوباره آزاد می کند و را از آن پاییدی یهود پاک می گرداند؟ و چه کسی یاری گر امت، آردکننده سرزمینش و یاور مستضعفان آن خواهد بود، در حالیکه تمام غرب صلیبی با تمام قوا و تجهیزات بر آن هجوم آورده است؟

در رجب نبرد عین جالوت بود که در آن مسلمانان تارها را شکست دادند و پیشرو ویرانگر آن راه بسوی سرزمین های اسلامی را متوقف کردند. پس چه کسی امروز در برابر تارها عمر می یابند و امتی شکست خورده را که مردمش مستضعف شده اند، یاری می کند؟

در این ماه شاهد فتح عموره در دوران خلیفه معتمد بودیم، آنگاه که او ندای این مسلمانان را که را فریاد «وا معصمه» از او یاری طلبید، اجابت کرد؛ پس ارتش عظیم را فرمادنی نمود و پیروزی عظیم، دست آورد. پس چه کسی امروز به یاری هزاران زنی بر می خیزد که فریاد می زنند و کمک می خواهند؟

ای مسلمانان! هر یک از ما روز قیامت در برابر الله سبحانه و تعالی خواهد ایستاد تا درباره آنچه در زمانها شاهد بوده و آنچه برای اصلاح و موجب امتش انجام داده، مورد محاسبه قرار گیرد. بر هر یک از ما واجب است که دین الله سبحانه و تعالی را با اطاعت از او و تلاش برای اجرای شریعتش در زندگی های یاری کنیم. در این صورت است که الله سبحانه و تعالی ما را یاری خواهد کرد و گام هایمان را استوار می گرداند.

ادامه صفحه ۳

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

بازخوانی یک سالگی سقوط اسد؛ واکاوی فرصت ها و چالش های پیش رو

استاد ناصر شیخ عبد الحی



چش های سالگرد آردسازی؛ احساس عزت، شادمانی و سرور را به خاطر سرنگونی یک طاقتور جبار و بنی از بتهای دوران بازگرداند؛ اما در این سالگرد، یادآوری نکات زیر مفید است. باشد که به اذن الله می توانیم در این آفرینش به نفع خود و دیگران به کار بیاوریم.

اول: سرنگونی رژیم آس د و فرار بشار جایتکار رویدادی ناگهانی نبود، بلکه دکان های عظیم و آگاهی انباشته شده در طول ۱۴ سال یقین، مسیر ایثار، بخشش و مبارزه زمینه را برای آن فراهم کرد؛ همراه با شکل گیری افکار عمومی فشارآور برای گشودن جبهه ها جهت سرنگونی او و رها کردن مردم از شرارت هایش، تا سستی بنیان او برای مردم ثابت شود و مقدمه ای برای نراندن ارکان حکومتش باشد. پس پیروزی تنها متی از جانب الله سبحانه و تعالی بود که شرایط را فراهم نمود و سختیها را هوار کرد تا پرونده پنج دهه سیاه از ظلمان اسدی بسته شود. دوم: به محض اینکه الله سبحانه و تعالی ما را با سرنگونی بشار گرامی داشت، برخی کشورهای توطئه گر با دروغ و نفاق شتافتند تا ادعا کنند که در رفتن او سهم بوده اند؛ از جمله رژیم ترکیه که پیش از آن به مصالحه و عدلی سازی روابط با او فرا می خواند و بازگشتش به اتحادیه عرب و افزایش در محیط منطقه ای را تبریک می گفت.

سوم: آمریکای امروز که ادعای ایستادن در کنار مردم سوریه را دارد، همان آمریکای دیروز است؛ همان قدرتی که یاری تنها بشار و جویگری از سقوط او، تمام ابزارهایش را به کار گرفت. این آمریکا بود که به روسیه، ایران و شیبه نظامیان از جمله حرضان در لبنان چرخش بزرگ نشان داد تا ماموریت کثیف نجات رژیم و زنده بگور کردن انقلاب را به سرانجام برسانند. اکنون نیز در حال حمایت از قسد و شیبه نظامیان آن است تا نقشه مد نظر خود را بر مدیریت کنونی سوریه تمهیل کند. تا نیروی قسد توسط واشینگتن هیچ تفسیری ندارد جز اینکه آن ها هرهای گوش به فرمان در دستان آمریکا هستند که تنها در جهت منافع خاص حرکت می کنند، نه در خدمت مردم سوریه. الله سبحانه و تعالی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَآلِ الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُبَيِّنَ عِلْمَكُمْ فِيمَنْ قَبْرَكُمْ» «کافران از اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند که از پیروی جادگارتان خیر و برکتی بر شما نازل گردد» و شاعر می گوید: «أَيُّهَا نَفَرَاتِ مَنَكْ صَادِقَةٌ... أَنْ تَحْشَبَ الشَّخْمَ فِيمَنْ شَحْمَةُ وَرَمٍ» «پناه می برم از نگاه های ملاحظه تو، که میباید چیزی [و تو را] در کسی که چاشمش ناشی از ورم [بیماری] است، چاشنی [سالام] بپزداری».

باید شتاب آمریکا برای مهار وضعیت سوریه پس از آردسازی را به یاد داشته باشیم که در آن زمان، آمریکا با حمایت از رژیم صهیونیستی، در سال ۱۹۴۸ میلادی، اقدام به بازداشت پنج تن از جوانان حزب التحریر در شهر «الشواکه» نمودند که عبارتند از: عثمان الامین الکندی، حسن الامین کندی، محمد ناصح آدم، احمد بکابر و الامین عبد الله.

این اقدام پس از آن صورت گرفت که حزب التحریر ولایت سودان، تجمعی را در برابر مسجد عتیق در شهر الشواکه برگزار کرد که در آن، شیخ عثمان الامین کندی، عضو حزب التحریر، برای جمعی شاخس از بزرگان منطقه و عموم مردم سخنرانی کرد. وی در سخنان خود خطر طرح آمریکا برای کتک زدن کردن سودان از طریق جادگرن دارفور را تبیین نمود و حاضرین نمود با اصرار بر توجیه مسئولیت شرعی کرد که وحدت امت و وحدت دولت را به مسئله ای سرشوت ساز تبدیل می کند. برخی از بزرگان آن را بیان سخنان، بر ایستادگی خود در کنار حزب برای جویگری از طرح جدایی تاکید کردند.

استاد ابراهیم عثمان (بوخلیل) سخنگوی رسمی حزب التحریر در ولایت سودان گفت: «این رفتار دستگاه های امنیتی تایید می کند که حکومت در مسیر اجرای طرح آمریکا برای کتک زدن کردن سودان از طریق جادگرن دارفور پیش می رود. پس از آنکه جنوب سودان را با همان شیوه ای که اکنون در جریان است، جدا کرد، وگرنه کشور کسی را که به حفظ وحدت کشور و جویگری از کتک زدن آن فرامی خواند، بازداشت می کنند».

وی افزود: «ما در حزب التحریر ولایت سودان، به صاحبان قدرت و دستگاه های امنیتی شب می گویم که بازداشت و بستن دهان ها را از گفتن حق و عمل به آن باز نخواهد داشت، حتی اگر پای آن جان و خون ما باشد؛ اما به آن ها می گویم: درباره امت از الله سبحانه و تعالی بترسید و درباره حاملان دعوت از الله سبحانه و تعالی پروا کنید و بدانید که شما نمی توانید الله سبحانه و تعالی را بتوان سازید (بر او غلبه کنید)».

حکومت دایتون به تجاوزهای خود علیه حزب التحریر ادامه می دهد

در بیانیه مطبوعاتی دفتر رسانه ای حزب التحریر در سرزمین مبارک فلسطین آمده است که دستگاه های تشکیلات خودگردان که در برابر یهود خوار و زبون اند، روز ششمین ۱۲/۲۵/۲۰۲۵، دانشجوی اسفاده ابوالهوی را در هنگام خروج از دانشگاهش، دانشگاه بیت لحم، با استفاده از اراذل اچیرده و سپس توسط نیرویی از دستگاه های امنیتی تشکیلات بازداشت کردند؛ صحنه ای صحنه ای در تصویر روشنی از اوپاشگری و مریدمندی تشکیلات علیه مردم فلسطین را به نمایش گذاشت. نه دین، ندارند آن ات است و نه قانون متوقفشان می کند و نه حرمت دانشگاهی که سیف از آن خارج شده بود مانع برایشان شد. سپس روز پنجشنبه او را به دادگاه بردند و قاضی، بدون آنکه جرعی مرتکب شده باشد، بازداشتش را پانزده روز تمدید کرد؛ در حالیکه تمام «جرم» او این بود که حکم شرعی را بیان کرده و گفته بود شرکت نمودن مسلمانان در جشن های اعیاد مسیحیان جایز نیست.

این بیانیه در ادامه می پرسد: این چه جرعی است که تشکیلات را واداشتند زمین و زمان را به هم بریزد؟ آیا سیف فلسطین را فروخت، چنانکه سازمان آزادی بخش آن را فروخت؟ آیا سیف هماهنگی امنیتی به نفع یهود انجام داد و برای خویشاوندان آن از مردم فلسطین شک و کشته گرفت، همان گونه که دستگاه های تشکیلات کردند؟ آیا سیف زمین ها را به یهود واگذار کرد، آن گونه که مردان تشکیلات کردند و بوی تعفن کارشان مشامها را آلوده است؟ آیا سیف مستمری خانواده های شهدا و اسرا را انکار کرد یا مجاهدین را دشنام داد و نفرین کرد، همان طور که رئیس تشکیلات کرد؟ آیا سیف دست جمعیت های فیمینستی را در کشور ما به باز گذاشت تا به دین و ارزش های ما تعدی کنند و به احکام اسلام بتانزد؟ آیا سیف فمینیست ها را جزئی از فرایند تدوین قانون اساسی موقت کرد تا غریب و شرق را راضی کند؟ و آیا و آیا و...؟ پس چه کسی باید بازداشت شود و چه کسی باید در برابر دستگاه قضایی بایستد؟

بیانیه افزود: کاش غیرت تشکیلات و دستگاه های آن گاه بیدار می شد که یهود صهی و شام مسجد الناصری را آلوده می کردند؛ دستگاه های که حتی تشکیلات را وادار نکرد هماهنگی امنیت با یهود را متوقف سازد. کاش غیرت تشکیلات آن گاه بر می انگیزد که مسجد ابراهیمی به کتک زدن تبدیل می شد. کاش غیرت تشکیلات آن گاه بود که یهود شب و روز مردم غزه را به خاک و خون می کشیدند. کاش غیرت تشکیلات آن گاه بود که اردوگاه های کرانه باختری ویران می شد و تشکیلاتش در برابر چشم تشکیلات و دستگاه های آن خانه و کاشانه را ده می شدند. کاش غیرت تشکیلات و دستگاه های آن گاه بروز می کرد که شهرکنشینان به روستاها و شهرها یورش می بردند؛ می کشند، درختان را در ریشه در می آورند، دامها را می کشند و کشت و نسل اینک به می کردند. همه اینها با سکوتی از سوی تشکیلات پاسخ داده می شد؛ سکوتی شبیه سکوت اهل قبور، جز مکتومی لفظی یا دعوت مردم به پاداری که خود تشکیلات راه و در آن را نمی شناسد. پس اینک به «شریان» است که در برابر مردم و جوانان فلسطین به تاق می غزید، اینک به «بزه ها» هستید در برابر و قلیفه حفاظت از مردم فلسطین، زنان و کودکانشان؟

بیانیه تاکید کرد: اگر چه جایت ربودن سیف از برابر دانشگاه بیت لحم، جاتی است که تشکیلات، دستگاه هایش و اوپاش و مزدوران هایش مسئول آن اند، اما این امر دانشگاه را از مسئولیت میرا نمی کند؛ زیرا یکی از اهدافش بر در دانشگاه بوده شده است. دانشگاه مسئول دفاع از او و ایستادن در برابر تشکیلاتی است که بر مردم فلسطین و دستگاه هایمان می تازد، و پذیرفتنی نیست که سکوت کند و بدینسان زمینه تعرض به دانشجویان دانشگاهها را نهاده سازد. در پایان، بیانیه مطبوعاتی گفت: تشکیلاتی که یهود چیزی از آن باقی نگذاشته اند، پیوسته گرامش را لگدمال می کنند؛ تشکیلاتی که چنان در خوار فرورفته که سراسر وجودش را پوشانده، و تا بتاگوش در وابستگی به یهود و غرب غرق شده است؛ برای خود، دستگاه هایش و مزدوران هایش پهر آن است که دست از سر مردم فلسطین و مامان دعوت در حق میان بردارند. برابر نیست آن که پیوندش به ریسمان الله سبحانه و تعالی بسته است با آنکه گروه های به رضایت کافر بسته شده و هر لحظه بیم گسستن آن می رود؛ سپس امت او را در دنیا بختی به خواستش می کند و آنگاه بصوی پروردگارش بازگردانده می شود و او را به عذاب سخت و هولناک گرفتار می سازد.

مبلغان میان قدرت سیاسی و مقتضیات شرع

استاد سعید فضل

نظر آیت‌الله سیسی



مصحح منه اخیراً شاهد اعلام یک برنامه آموزشی دو ساله در داخل آکادمی نظامی بود که خطاب به مبلغان و اعتناظر وزارت اوقاف که دارای مدرک دکترا هستند، طراحی شده است. این برنامه از نظر رسانهای به‌عنوان یک جهش کیفی در «نوسازی گفتمان دینی» و تقویت «اندیشه روشنگری» معرفی شد. در جریان دیدار با این مبلغان، رئیس‌جمهور مصر اظهاراتی ایراد کرد که در آن تمرکز بر این بود که مبلغان «تنها نگهبان دین نیستند، بلکه نگهبانان آزادی نیز هستند» و اینکه انسان دارای «آزادی انتخاب در ایمان» است. این عبارت صرفاً ملاحظاتی گذرا نیستند، بلکه دارای دلالت‌های سیاسی و فکری عمیقی هستند و با مسیری روشن که دولت سال‌هاست در تعامل با دین، کنترل گفتمان شرعی و بازسازی آگاهی عمومی طبق دیدگاه خود در پیش گرفته، همسو هستند؛ به‌گونه‌ای که با استانداردهای غربی در آنچه «مسائل آزادی‌های دینی» نامیده می‌شود، سازگار باشد؛ مسئله‌ای که یکی از مهم‌ترین شروط سیاسی و دیپلماتیک مطرح‌شده در روابط با غرب به شمار می‌رود.

چرا آکادمی نظامی؟

ملحق کردن مبلغان به دوره‌ای که دو سال در داخل یک نهاد نظامی و نه در دانشگاه یا مؤسسه شرعی به طول می‌انجامد، پیامی روشن دارد و آن این است که دولت دیگر به مبلغان به‌عنوان علمایی که احکام شرع را ابلاغ می‌کنند نمی‌نگرد، بلکه آنان را کادرهای اداری می‌بیند که وفاداری‌شان بازتعریف شده، و گفتمان‌شان جهت‌دهی می‌شود تا در خدمت استراتژی حکومت باشد. مظاهر این امر در موارد زیر آشکار می‌شود:

۱- نظامی‌سازی گفتمان دینی با انجام مبلغان در یک سامانه نظامی با ماهیت اضطراری، با هدف بازسازی شخصیت آنان بر اساس اطاعت و تسلیم، خنثی کردن نقش تبلیغی اصلیشان و تبدیل آن‌ها به ابزارهای کنترل اجتماعی و ساختن مبلغانی که نه بر اساس متون شرعی، بلکه بر اساس سیاست‌های دولت حرکت می‌کنند.

۲- تثبیت مرجعیت حکومتی به جای مرجعیت شرعی؛ تحصیل در دوره‌ای دو ساله تحت نظارت نهادهای غیرشرعی به این معناست که مرجع مورد اعتماد برای مبلغ دیگر شرع نیست، بلکه رژیم است. این امر با فلسفه حکومت که با دین به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی یک باید رام شود برخورد می‌کند، همسو است، نه به‌عنوان یک سیستم ربانی جامع که برای حاکم و محکوم الزام‌آور است.

۳- مهندسی آگاهی دینی جدید از طریق متونی که به‌عنوان «پالتر از دکترا» توصیف می‌شوند؛ رژیم تلاش می‌کند هالهای آکادمیک به این پروژه بدهد، در حالی که هدف واقعی ساختن نسلی از مبلغان است که گفتمان دین بدون چنگال (پی‌ظفر) را ترجیح کنند. ماهیگیری سازش‌کار و هماهنگ با سکولاریسم، همراه با توجهات شرعی برای واقعیت موجود و سیاست‌های دولت و انگیزه‌ای اطاعت سیاسی که در پوشش زبان دینی پیچیده شده‌اند و بدین ترتیب مأموریت مبلغ از ابلاغ حق به حفاظت از روایت رسمی تغییر می‌یابد.

آیا آزادی عقیده از اسلام است؟

رئیس‌جمهور در سخنرانی خود، سخن از این به میان آورد که انسان دارای «آزادی انتخاب در ایمان» است و مبلغان باید این ایده را به‌عنوان یک ارزش والای انسانی ترویج کنند، اما از نظر شرعی باید میان دو حقیقت تفاوت قائل شد:

۱- آزادی انتخاب میان ایمان و کفر؛ یعنی اینکه الله سبحانه‌وتعالی مردم را به زور و اجبار وادار به ایمان نکرده است؛ «یا اِکراه فی الدین»، «در دین هیچ اجباری نیست»، «فَإِنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَفَنِ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ»، «بسی هر که بخواهد ایمان بیابد و هر که بخواهد کفر ورزد، این آیت به مسئله رها کردن آفتابین (عدم اجبار) در پذیرش اشاره دارند، نه مباح بودن شرعی کفر، به بیان دیگر، بنده اختیار و توان انتخاب کفر را دارد، اما شرعاً مجاز به این انتخاب نیست. از این رو، اصرار بر کفر و انتخاب آن، هر دو مصیبت محسوب می‌شوند؛ هرچند که مجبور ساختن فرد به ایمان نیز شرعاً حرام است.

۲- حکم شرعی که جامعه اسلامی را منضبط می‌کند؛ با احکامی روشن برای جلوگیری از تجاوز به عقیده امت، حرام دانستن هر نوع کفر به کفر در داخل جامعه اسلامی و جلوگیری از ارتداد یا نشر هرگونه افکاری که عقیده را ویران می‌کند، آمده است. همراه با وجوب حفاظت از دین به‌عنوان یکی از «ضروریات»، پس انسان از نظر «واقعیت» آزادی انتخاب دارد، اما از نظر «حکم» مشروعیت انتخاب ندارد. اما گفته‌ای که آزادی عقیده را به‌عنوان یک ارزش مطلق ترویج می‌کند، گفتمانی کاملاً سازگار است که با اسلام و با وظیفه حامل دعوت که همان ابلاغ، تبیین و انکار است، در تضاد می‌باشد؛ نه تبلیغات برای این ایده که ایمان صرفاً یک گزینه شخصی و قابل مذاکره است، بدین ترتیب روشن می‌شود که رژیم تلاش دارد متون

رقابت تسلیحاتی میان چین و آمریکا

استاد حسن حمدان

استفاده از اصطلاح «رقابت تسلیحاتی» در دوران جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب رواج یافت. می‌خوان آن را این‌گونه تعریف کرد: «رابطه رقابت و خصومتی که میان دو کشور یا گروهی از کشورها با هدف افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات وجود دارد».

چین به خطرات کشیده‌شدن به یک رقابت تسلیحاتی جدید آگاه بود و از ورود به آن خودداری می‌کرد. سرهنگ «گنگ یان شنگ»، سخنگوی وزارت دفاع این کشور، توضیح داد که هزینه‌های دفاعی چین معقول و متناسب است و تأکید کرد که کشورش به دنبال سلطه‌جویی نیست و هرگز قصد ورود به هیچ‌گونه مسابقه تسلیحاتی جهانی را ندارد.

همچنین چین تأکید کرده است که به دنبال مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای نخواهد بود و با استقرار موشک‌های تهاجمی ایالات متحده در آسیا مخالف است؛ این موارد در جدیدترین «کتاب سفید» صادر شده توسط پکن در خصوص سیاست هسته‌ای آمده است. این سند که عنوان «کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه در چین در عصر جدید» را بر خود دارد، به‌روزرسانی نسخه قبلی منتشر شده در سال ۲۰۰۵ است.



سال ۲۰۲۰ تا اواخر سال ۲۰۲۵ بیش از دو میلیون مترمربع فضای ساخته‌شده گسترش یافته‌اند و به ظهور برج‌ها، پناهگاه‌ها و موانع جدید در این سایت‌های در حال رشد اشاره کرد.

«سون وی دونگ»، معاون وزیر امور خارجه چین، در اظهاراتی اشاره کرد که آمریکا «بزرگ‌ترین خطر امنیتی در دریای جنوبی چین» است و توضیح داد که حضور نظامی این کشور در منطقه، «آن را به گرداب مسابقه تسلیحاتی می‌کشاند». سون گفت که اقدام آمریکا برای استقرار سامانه‌های موشکی میان‌برد در آنجا، «منطقه را به گرداب مسابقه تسلیحاتی می‌کشاند و کل منطقه آسیا و اقیانوس آرام را در دایره درگیری‌های ژئوپلیتیکی قرار می‌دهد».

هدف آمریکا از مسابقه تسلیحاتی تحقق دو هدف اصلی است: اول، فرسایش توانمندی‌های اقتصادی؛ هدف مرحله‌ای، فرسایش توانمندی‌های اقتصادی چین و کشاندن آن به جنگ‌های وهمی (مانند جنگ‌های فضایی) است. چرا که هزینه‌های نظامی، شکاف عظیمی را که چین باید پر کند، آشکار می‌سازد:

اول، فرسایش توانمندی‌های اقتصادی؛ هدف مرحله‌ای، فرسایش توانمندی‌های اقتصادی چین و کشاندن آن به جنگ‌های وهمی (مانند جنگ‌های فضایی) است. چرا که هزینه‌های نظامی، شکاف عظیمی را که چین باید پر کند، آشکار می‌سازد:

کشور	بودجه دفاعی تخمینی سال ۲۰۲۴	درصد از کل جهانی
ایالات متحده	۹۹۷ میلیارد دلار آمریکا	حدود ۳۷٪
چین	۲۱۲ میلیارد دلار آمریکا	افزایش ۶٪ نسبت به سال قبل

این هزینه هفتگشت نشان‌دهنده تعهد آمریکا به حفظ هیمنه نظامی آن‌ها در این فضای متشنج، چین بسیاری از امکانات خود را ارائه خواهد داد و بخش زیادی از ثروت‌هایش را در راه تسلیحات و درگیر شدن در مسابقه‌ای تن‌آلود برای دستیابی به امنیت خود هدر خواهد داد؛ البته به قیمت از دست دادن قدرت و رفاه اقتصادی‌اش. این رقابت، پس‌اندازها و دستاوردهای اقتصادی را می‌بلعد و چین را مشغول توسعه سلاح‌هایی می‌کند که (مانند سلاح‌های هسته‌ای) استفاده نخواهند شد.

دوم، تحقق منافع خود از طریق کشورهای همسایه؛ آمریکا از طریق سیاست بزرگ‌نمایی توانمندی‌های چین، موفق شد در دل تمام همسایگان این کشور رعب و وحشت ایجاد کند؛ همسایگانی که اکنون برای بستن پیمان‌های دفاع مشترک با آمریکا و خرید سلاح‌های بیشتر آمریکایی با یکدیگر مسابقه می‌دهند.

پایان، آمریکا، به‌ویژه در دوران ترامپ، چین را دشمن پنداشت و آن را اهریم‌سازی کرد تا اهداف خود در تسلیحات و درگیری‌های منطقه‌ای را محقق سازد؛ این کار با سیاست رقابت دشمن و واداشتن آن‌ها به افزایش بودجه نظامی و ظرفیت‌سازی، با خرید سلاح و زمین پیمان‌های دفاعی با آمریکا انجام شد. این امر تضمین می‌کند که کشورهای همسایه برای هر چهار چین پیش‌قدم شوند و آن با مشکلات و درگیری‌های منطقه‌ای مشغول سازند تا کشورهای متحد، منافع آمریکا را بدون دخالت مستقیم این کشور در جنگ و بدون فرسایش توانمندی‌های داخلی‌اش تأمین کنند.

استفاده از اصطلاح «رقابت تسلیحاتی» در دوران جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب رواج یافت. می‌خوان آن را این‌گونه تعریف کرد: «رابطه رقابت و خصومتی که میان دو کشور یا گروهی از کشورها با هدف افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات وجود دارد».

چین به خطرات کشیده‌شدن به یک رقابت تسلیحاتی جدید آگاه بود و از ورود به آن خودداری می‌کرد. سرهنگ «گنگ یان شنگ»، سخنگوی وزارت دفاع این کشور، توضیح داد که هزینه‌های دفاعی چین معقول و متناسب است و تأکید کرد که کشورش به دنبال سلطه‌جویی نیست و هرگز قصد ورود به هیچ‌گونه مسابقه تسلیحاتی جهانی را ندارد.

همچنین چین تأکید کرده است که به دنبال مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای نخواهد بود و با استقرار موشک‌های تهاجمی ایالات متحده در آسیا مخالف است؛ این موارد در جدیدترین «کتاب سفید» صادر شده توسط پکن در خصوص سیاست هسته‌ای آمده است. این سند که عنوان «کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه در چین در عصر جدید» را بر خود دارد، به‌روزرسانی نسخه قبلی منتشر شده در سال ۲۰۰۵ است.

پکن ذکر کرده است که «نیروهای هسته‌ای خود را همواره در حداقل موردنیاز برای امنیت ملی حفظ کرده است» و به سیاست هسته‌ای خود مبنی بر «عدم استفاده پیش‌دستانه» و تعهد بدون قید و شرط خود به خودداری از استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای فاش

سلاح هسته‌ای را در مناطق عاری از سلاح هسته‌ای اشاره نمود. چین افزود که موشک‌ها و سامانه‌های دفاع موشکی را برای حفاظت از خود توسعه داده است و خاطرش کرد که این توانمندی‌ها با توجه به مساحت وسیع و محیط امنیتی پیچیده این کشور، با هدف حفاظت از حاکمیت، حفظ امنیت و بازدارندگی از جنگ است و علیه هیچ کشور یا منطقه دیگری تهدید نمی‌شود.

آمریکا تلاش کرد چین را وارد یک مسابقه تسلیحاتی جدید کند، همان‌طور که پیش‌تر با اتحاد جماهیر شوروی انجام داده بود و برای تحقق این امر اقدامات متعددی انجام داد:

۱- بزرگ‌نمایی تهدید چین؛ آمریکا ادعا می‌کند که چین بیش از ۱۵۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد و حتی در سال ۲۰۲۱ تأکید کرد که تعداد کلاهک‌های هسته‌ای چین تا سال ۲۰۳۵ به ۳۰۰۰ عدد خواهد رسید. برای تعمیق ترس از چین، آمریکا می‌گوید که این کشور دارای موشک‌های بالستیک با برد ۱۲ هزار کیلومتر است و سال ۲۰۲۵ تولید بمباران غلظت پیکر «بال پرند» (Flying Wing) را آغاز خواهد کرد که می‌تواند بر بمبارکن آمریکایی «بی-۵۲» برتری یابد.

۲- تشویش متحدان آسیایی به مسلح شدن؛ آمریکا تلاش کرد کشورهای آسیایی، به‌ویژه متحدان و شرکای خود را به تقویت نیروهای نظامی و افزایش توانمندی‌های ضربتی دوربرد ترغیب کند. این امر از طریق روش‌های زیر محقق می‌شود:

توسعه موشک‌ها و افزایش بودجه نظامی؛ این اتفاق پس از رفع تمام موانع قانونی و اساسی که مانع این رویکرد بود، رخ داد؛ چنانچه در مورد ژاپن شاهد بودیم. در ۲۹ اوت ۲۰۲۲، وزارت دفاع ژاپن درخواست بودجه برای سال مالی ۲۰۲۳ را مطرح کرد و به دنبال رقم پرسابقه حدود ۴۰ میلیارد دلار بود، علاوه بر مبالغ نامشخصی برای بسیاری از سامانه‌ها، از جمله موشک‌های دوربرد قادر به حمله به اهداف زمینی. این وزارتخانه همچنین برنامه‌هایی برای توسعه پهلوهای مورد استفاده برای نظارت و انجام حملات دارد و ژاپن کشتی‌های مجهز به سامانه ضد موشک‌های بالستیک خواهد ساخت. - خرید تسلیحات و عقد قراردادهای؛ این امر در قرارداد زیردریایی‌های هسته‌ای آمریکا با استرالیا مشهود است. یک مقام دفاعی استرالیا ذکر کرد که برنامه زیردریایی‌های استرالیا با همکاری آمریکا و بریتانیا، طی ۳ سال آینده تا ۲۴۵ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و بدین ترتیب به بزرگ‌ترین برنامه دفاعی در تاریخ استرالیا تبدیل خواهد شد. اقدامات مشابهی نیز

ادامه : باز خوانی یک‌سالگی سقوط اسد؛ واکوی فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

غرق‌کردن آن‌ها در بومی و تحت فرمان دراوِردن آن‌ها به اراده غرب سرمایه‌داری به رهبری آمریکااست. ازاین‌رو، پخیرش وام از آن‌ها به این ادعا که کمک بلعونی هستند نه قرض، ساده‌لوحانه است؛ به‌ویژه با تصریح مسئولین مبنی بر اینکه شروط خواستنی این دو مؤسسه در قبال پول که می‌پردازند در حال بررسی است؛ پولی که زیر شعارهای بزرزق‌برق، سی کشنده به همراه دارد!

هشتم: تلاش‌های جدی اما نافرجایی برای دلسرد کردن جریان دارد تا چنین القا کنند که ما در مرحله ضعف قرار داریم. هدف این تلاش‌ها، کاشتن بذر یاس، سرخوردگی در جان‌هاست تا از این طریق، هرگونه گناه ناشی از تخلل در برابر نظام بین‌الملل را به پناهه تحقق امنیت، شکوفایی اقتصادی و بازسازی کشور توجیه کنند. ما به دینمام قوی و به پروردگاران عزیز هستیم؛ سرزمین ما سرشار از شیر مردان عقیده است که بینی رژیم نابودشده را، علیه‌رم حمایت آمریکا و پیروانش، به خاک مالیند. این قدرت یقین و عقیده بود که مردان اسلام را در شام ثابت‌قدم نگه داشت، باید یادآور شد که تمام مؤلفه‌های قدرت حاضر است و آنچه موردیازین است، اراده سیاسی و تصمیمی است که در راه الله سبحانه‌تعالی از سرتش عیث ملت‌نگری تریسد.

نهم: همانا هویت انقلاب ما و مطالبه امت ما اسلام است و لاغیر؛ و چرخش به سمت ندای میهن‌پرستی، سکولاریسم و دموکراسی غربی که درین راه از ظرفیت و دولت جدا می‌کند، هرگز این حقیقت را تغییر نخواهد داد. دهم: پیگاه مردمی انقلاب، ریشه‌های این زمین است؛ همان کسانی که ایستادگی کردند، باعث ثبات شدند و خود را اثبات نمودند. نگه داشت، دل‌آویزهای مردمانش صامعه‌های فاتحان را به پادمان آورد. آن‌ها پس از توفیق و همراهی الله سبحانه‌تعالی، پشتیبان طبیعی و امیل هستند؛ پس باید زیست که آن‌ها را نایدیده گرفت و به توهم حمایت بین‌المللی و کشورهای توطئه‌گر تکیه کرد.

یازدهم: گردشگی رژیم بیود و تجاوزگری آن با سیاست دلجویی یا دواوشی یا شکایت به مشاغل ملل و نظام بین‌الملل که شرکای بیود در خود را پس از محکم یافتن، برانگذا!

ادامه: بنگار رجب اسمال گواه برپایی خلافت بر روش نبوت باشد

الله سبحانه‌تعالی می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا! این تفسروا الله و بشترکم ویتبأ اقدامکم» «ای کسانی که ایمان آوردہاید، اگر [دین] الله سبحانه‌تعالی را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

همانا خلافت نظامی است که دلائل شرعی بر آن دلالت دارد و آن ریاست عمومی برای تمام مسلمانان در امور دین و دنیاست و برپایی آن به شکل معیشت واجب است؛ زیرا نظامی است که وحدت امت را حفظ و اسلام را اجرا می‌کند. بدون آن، امت متفرق و ضعیف باقی می‌ماند. تلاش برای برپایی آن تنها یک رویا یا آرزوی دست‌نیافتنی نیست، بلکه یک فرض است که مسلمانان باید برای تحقق آن دست به دست هم دهند. رسول‌الله صلی‌اللعلیو‌السلام فرمودند: «همانا الله [خليفة] سیری است که در پشت او بگنبدگی می‌شود و به او پناه برده می‌شود.

ای مسلمانان در ارتش‌های امت اسلامی: شما در برابر الله سبحانه‌تعالی مسئول یاری دیتان و امتانت هستید. امت از شما طلب یاری می‌کند و منتظر نصرت شماست تا خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت را برپا کند؛ چرا که این فرضی عظیم، جایگاهی رفیع بود».

دادگاه کوبیت جوانی را به اتهام عضویت در حزب‌التحریر به ۵ سال زندان محکوم کرد

الرای، چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الآخره ۱۴۴۷ هـ / ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵ م: دادگاه جانیی به ریاست مستشار، دکتر «خالد العمیره»، حکم ۵ سال حبس را برای یک شهروند به اتهام عضویت در «حزب‌التحریر»، تأمین مالی و حمایت از گروه‌های غیرقانونی صادر کرد. طبق کیفرخواست دادستانی، منتهج بر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، به عضویت در یک گروه ممنوعه دعوت کرده است؛ گروهی که هدف آن نشر اصولی است که برای تغییر نظامات سیاسی از طریق روش‌های غیرقانونی تلاش می‌کنند. در جزئیات پرونده آمده است که وی با عضویت در تشکیلاتی موسوم به «حزب‌التحریر» که هدف نهایی خود را برپایی دولت خلافت راشده اعلام کرده است؛ اقدام به ترویج افکار این گروه در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) نموده و با انتشار پست‌های مندرج در پرونده، دیگران را به پیوستن به این تشکیلات فراخوانده است.

تعلیق: آیا تلاش برای ازسرگیری زندگی اسلامی با برپایی خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت، در آیین حکام روز تروریسم شده است؟! آیا فعالیت برای بازنشاندن امت اسلامی در جایگاه طغیان‌پس در میان ملت‌های عرب و بازگشت آن به معنوان بهترین است؟ که برای مردم پدیدار شده، «کُتْم خیزر اُمُةَ اُحْرَجَتِ لِلنَّاسِ تَافِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَهْتَوْنَ عَنِ الْفِکْرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»، آیا این در عرف دولت‌های مزدور، تروریسم شده است؟!

آیا سزاوارتر و بلکه واجب نبود که این رژیم‌ها و مهره‌هایشان، چنین رادرمذانی را تکریم کنند؟ همانانی که جوانی و زندگی خویش را وقف کرده، شب را به روز می‌دوزند و جان و مال خود را نثار می‌کنند تا اعتشان را از زنجیرهای سراسپردگی به غرب کافر استعمارگر برهند. رادرمذانی که تنها چرخشان تلاش برای خیزش دوباره امت است؛ خیزشی بنیادین و امیل بر اساس کتاب‌الله سبحانه‌تعالی و سنت رسول‌الله صلی‌اللعلیو‌السلام.

نیروی هوایی سلطنتی اردن، کجایی در برابر آنچه بیود با برادرانتان می‌کند؟!

تاویزیون اردن روز شنبه گزارش داد که نیروی هوایی سلطنتی اردن شب گذشته در حملات آمریکا علیه اهداف متعلق به داعش در سوریه مشارکت داشته است.

تاویزیون اردن گفت: «مشارکت اردن در چارچوب جنگ علیه تروریسم و جلوگیری از سو:استفاده سازمان‌های افراطی از این مناطق بمعنوان نقاط شروع برای تهدید امنیت همسایگان سوریه و منطقه صورت می‌گیرد؛ به‌ویژه پس از آنکه داعش خود را بازتولید کرده و توانمندیهایش را در سوریه بازسازی نموده است». (الجزیره نت، شنبه، ۲۹ جمادی‌الآخره ۱۴۴۷ هـ - ۲۰۲۵/۱۲/۲۰ م).

تعلیق: سوآلی که خود را با تمام قدرت بر شونده و فوآندته این تحمیل می‌کند [این است]: یهودیانی که فلسطین را غصب کردند، رمدشان را ششند، آن‌ها از سرزمین و دیارشان آواره کردند و رژیم ناصیب خود را بر آن نهادند. آیا تروریست نیستند؟! یهودیانی که نوار غزه را ویران کردند و علیه مردم آن مرتکب جنگ نسل‌کشی شدند که منجر به شهادت و مجروح شدن حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر از آنان شد و با وجود توافق آتش‌پس همچنان در آبنا مرتکب ششتار می‌شوند، آیا تروریست نیستند؟! یهودیانی که در شهرها و روستاهای کرانه باختری وحشیگری می‌کنند، می‌کشند، بازداشت می‌کنند و خانواده را ویران می‌سازند، آیا تروریست نیستند؟! پس نیروی هوایی سلطنتی اردن در برابر آن‌ها کیاست؟ و چرا آن‌ها را نمی‌زد و آن مستغنیان را یاری نمی‌کند که مد‌هایشان گرفت و قلب‌هایشان شکست درحال‌که از او یاری می‌طلبند؟! یا اینکه نقش او و نقش پادشاهش تنها پرتابکردن مقداری خردمان برای آنان با اجازه بیود است؟!

سپس، آیا این آمریکایی که [اردن] در ضرب‌مزدن به داعش با او مشارکت می‌کند، همان سر کفر و جنایت نیست که با اسلام و مسلمانان می‌جنگد و رژیم یهود را با پول و سلاح یاری می‌دهد و از نظر سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای حمایتش می‌کند تا مسلمانان را در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه، ایران و یمن بگشدد؟ پس شما را چه شده است ای ارتش اردن و نیروی هوایی آن؟ چگونه حکم می‌کنید؟!

درگیری رواندا و کنگو و طرح ترامپ برای حل و فصل آن

استاد نیل عبد الکریم

منطقه دریاچه‌های بزرگ در آفریقا یکی از پیچیده‌ترین منازعات جهان را تجربه می‌کند؛ جایی که با اینابه‌شدن بحران‌های کهنه قومی، سیاسی و اقتصادی، تنش میان رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو بار دیگر شعله‌ور می‌شود. ریشهٔ تاریخی این درگیری به پس از نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ بازمی‌گردد؛ با قهور میلیشیاهای مسلح و رقابت قدرتهای منطقه‌ای بر سر عظیم‌ترین ثروت‌ها، یعنی معادن کمیاب. در سایهٔ تشدید خشونت‌ها در سال ۲۰۲۵، مداخلهٔ آمریکا با ابتکاری که گفته می‌شود می‌تواند مسیر بحران را تغییر دهد، به چشم می‌آید.

در ادامه، نگاهی گذرا می‌اندازیم به ریشه‌های درگیری و درهم‌پندگی منافع با منافع آمریکا، میان دو احتمال صلح یا انفجار دوباره. نقطهٔ عطف این بحران، نسل‌کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ است؛ زمانی که صدها هزار نفر از هوتوها به شرق کنگو گریختند. این موج بزرگ آوارگی، تنش‌های شدید بین پناهجویان و دشمنانشان مانند نیروهای دموکراتیک آزادی‌بخش رواندا (FDLR) مستقر در کنگو بارنگیخت، مهم‌ترین عوامل این فاجعه عبارت بودند از: میراث استعمار؛ بلایک از سال ۱۹۱۶ رواندا را استعمار کرد و با کاشت شکاف قومی در هویت جامعه، توتسی‌ها را «برتر» معرفی کرد و به آنان سلاح، قدرت و آموزش داد و در مقابل، هوتوها را به حاشیه راند.

تبعیض سیاسی و اجتماعی؛ ابتدا علیه هوتوها و سپس علیه توتسی‌ها. در سال ۱۹۹۲ و هم‌زمان با استقلال رواندا، قدرت به دست هوتوها افتاد و درگیری‌های خشونت‌آمیزی علیه توتسی‌ها رخ داد که به فرار هزاران نفر از آنان به اوگاندا، بوروندی و کنگو انجامید. در اواخر دههٔ هشتاد «جبههٔ میهنی رواندا» شکل گرفت و در سال ۱۹۹۰ به دولت هوتوها حمله کرد. رژیم حاکم از این حمله برای ایجاد فضای عمومی خصومت قومی بهره برد. در ۶ آوریل ۱۹۹۴ هوایی‌های حامل رئیس‌جمهور «روژالما هابیاریمانا» سرنگون شد و بدون ارادهٔ دلیل قناعت بخش، اتهام به طور خاص متوجه جبههٔ میهنی و به طور عام متوجه افراطی‌های توتسی شد.

با ضعف دولت و شکست نظام بین‌الملل که نه مداخله کرد و نه آنچه رخ می‌داد را تا دیرنگام «نسل‌کشی» نامید، توتسی‌ها و هوتوها مبادرو به دست ماشین کشتار سپرده شدند. فاجعه‌ای که طی ۱۰۰ روز حدود ۸۰۰ هزار کشته بر جای گذاشت. پایان این کشتار با پیشروی نیروهای جبههٔ میهنی رواندا، ورود آنان به پایتخت، سقوط دولت عامل نسل‌کشی و فرار هزاران نفر از عاملان آن از جمله سیاست‌مداران رقم خورد. در این مرحله، سازمان ملل متحد طبق روال همیشگی، نه برای پایان‌دادن به جنایت‌ها، بلکه برای «همراه‌شدن با موج» وارد صحنه شد.

مرحلهٔ بازسازی دولت از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ با سیطرهٔ جبههٔ میهنی رواندا به رهبری «پل کانگامه» آغاز شد، دولت وحدت ملی تشکیل گردید. صدها هزار پناهندهٔ رواندایی (هوتو و توتسی) از اوگاندا، بوروندی و تانزانیا بازگشتند، عاملان درگیر ماکامه شدند و میلیشیاهای مسلح توقیف گردیدند. هرچند پیشتر فراتر از وزن کنگو – زئیر سابق گریختند. از همین‌جا رواندا در جنگ اول کنگو (۱۹۹۶) و جنگ دوم (۱۹۹۸) درگیر شد و سرانجام در سال ۲۰۰۰، پل کانگامه رسماً رئیس‌جمهور رواندا گردید.

دوره، سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲، نفوذ رواندا بحددرج به شرق کنگو گسترش یافت و رابطهٔ این کشور با گروه‌های مسلح فعال در کنگو به‌شدت عمیق شد. رواندا همواره به حمایت نامحدود از این گروه‌ها منتهج بوده است؛ از جمله جنگی 23M که یک گروه مسلح رقیب میلیشیاهای هوتو در کنگو به شمار می‌آید. البته این مداخله همواره با این توجیه صورت‌گرفته که برای جلوگیری از بازگشت میلیشیاهای هوتو است، درحالی‌که شرق کنگو به‌شدت غنی از طلا، کتان، قلع و مواد حیاتی برای صنایع الکترونیکی است. در همین دوره، رواندا به یکی از سریع‌الرشدترین اقتصادهای آفریقا تبدیل شد. آن‌هم در سایهٔ تلاوم یک نظام اکتدارگر؛ نظامی که با اصلاح قانون اساسی، زمینهٔ ماندن حاکم خود در قدرت تا سال ۲۰۳۴ را فراهم کرده و هم‌زمان به تئور مخالفان سیاسی نیز دست زد.

با آغاز سال ۲۰۲۲، گروه‌های مسلح به‌ویژه 23M کنترل مناطق مهم معدنی مانند «روپایا» را به دست گرفتند و از طریق اخذ مالیات از فعالیت‌های معدنی، به منبع درآمدی ثابت دست یافتند. پس از آن، این گروه بر شهرهای مهم شرق کنگو، از جمله کوما و بوشاکو، مسلط شد. در پی این تحولات، موجی از تحکرات بین‌المللی برای حل مشکل که رواندا را به تأمین مالی، تسلیحاتی و اعزام نیرو برای 23M منتهج می‌کرد؛ اتهاماتی که کجایی به طور رسمی آن‌ها را رد کرد.

در این نقطه، ابتکار دونالد ترامپ در ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵ مطرح شد:

حزب‌التحریر ولایت لبنان در دیدار با ابراهیم منیمه، نماینده مجلس

هیئتی از حزب‌التحریر ولایت لبنان شامل دکتر محمد جابر، رئیس کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در ولایت لبنان و مهندس صالح سلام، عضو این کمیته، روز شنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵ م، با آقای ابراهیم منیمه، نماینده بیروت دیدار کرد. هیئت در ابتدا به معرفی حزب، افکار آن و تمایزش از سایر احزاب پرداخت و بر اصولی بودن حزب و مخالفت آن با مذهب‌گرایی، ملی‌گرایی و فرقه‌گرایی تأکید کرد.

سپس هیئت دیدگاه حزب برای راحل ریشه‌ای لبنان را ارائه داد؛ راحلی که در بازگشت به اصل، یعنی بخشی از «بلاد شام» بوده، نهفته است، به دور از راحل‌های غیرشرعی و ننگارآمدی که بحران را طوایی و عمیق می‌کند و آن را حل نمی‌کند.

همچنین هیئت به مشکلات منطقه و تلاش خستگی‌ناپذیر حاکمان لبنان برای انجام اقداماتی که منجر بهسرمیشتناختن رسمی رژیم بیود و برقراری روابط اقتصادی با آن می‌شود، اشاره کرد.

هیئت هشدار داد که ضروری است تمام ضلوعان از میان نمایندگان و سیاسیون، علناً در برابر این پروژه بایستند، دستکم با موضع‌گیری و سخن.

در پایان دیدار، دو طرف بر سر انجام دیدارهایی در آینده برای پیگیری و بحث دربارۀ تحولات توافق کردند.

غربِ استعمارگر و حکامِ مزدور؛ دو لبه یک قیچی!

شیخ عدنان مزین

دولت، نهاد اجرایی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معیارها و مفاهیم، مریوط به زندگی است که یک ملت یا امت آن‌ها را پذیرفته است. ازاین‌رو، انتظار طبیعی آن است که دولت از جنس همان امت برآمده از انتخاب آن باشد و نقش محول شده به خود را خوب ایفا کند؛ یعنی وظایف حکمرانی را چنان به انجام رساند که الگوی زیستی مردم رضایت‌محکوم تحقق یابد، امنیت آنان و شیوه زندگی‌شان تأمین شود و از هر خللی که موجودیت یا منافعشان را تهدید می‌کند جلوگیری گردد؛ منافعی که معیارهای تمدنی همان امت آن‌ها را تعریف می‌کند.

اما امت، همه‌جاست زیر سلطه حکمی جبری و جنایت‌پیشه زندگی می‌کند؛ حکمی که در آن، دولت حاکم هیچ نسبتی با معیارها و منافع امت ندارد، بلکه بازتاب منافع غرب به کافر استعمارگر و گاه شرق ملحد مستبد است. تا آنجا که دربارهٔ حاکمان ما به‌درستی گفته می‌شود: «نگهبانان استعمار»؛ کسانی که استعمار آنان را بر ما گذاشته تا برنامه‌هایش را اجرا کنند و منافع نزدیک و راهبردی‌اش را محقق سازند. و این مهم را از آن رهگذر امور زیر پیش می‌برند:

نخست: تضمین جلوگیری از بازگشت امت به تمدن خود و به شریعت الله سبحانه‌وتعالی و به دولت واحد خویش؛ زیرا چنین بازگشتی نفعنا منافع غرب بلکه کل تمدن او را تهدید می‌کند. این هدف با سرکوب دعوت‌کنندگان اسلام به عرصهٔ حکمرانی و برپایی دولت اسلامی فراگیر، تخریب چهره آنان برای پرآکندن مردم از گردشان و تنگ‌کردن میدان فعالیتشان دنبال می‌شود.

زورپیما گاه با فریب ساده‌دانان، چنین القا می‌کنند که اجرای شریعت، فریب راستا، فریب تدرج و مرحله‌گرایي به عنوان ابزاری برای متخرف کردن جریان‌های مخالف غیراصولی به کار گرفته می‌شود تا حلقه فریب فکری و روانی توده‌ها کامل گردد. هدف این است که مردم یا از بیم سرکوب، در بن‌بست واقعیت فاسد کنونی محبوس بمانند، یا از هرگونه تحول راستین ملایس شوند و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، چشم‌انتظار تغییری مهم بمانند که امت می‌شود روزی از دل این تدرج بی‌پایانی سر بر خواهد آورد!

دوم: حاکمان ما مأمور حفاظت از منافع مادی و نظامی غرب در سرزمین‌ها می‌باشند تا دست ملت‌ها به آن‌ها نرسد؛ تا غارت ثروت‌ها و اشغال سرزمین‌ها با قترین هزینه برای دشمنان ما انجام شود. دولت‌ها و حاکمان، در هر رهیابویی تحمیلی با غرب، به شکست ما می‌انجامند، گاه با تپایی پنهان، گاه با فریب و نیرنگ، و گاه با وقاحت آشکار، زیر عنوان‌هایی چون «اتلاف‌های نظامی و امنیتی» یا «جنگ با تروریسم».

همین‌ها را کارکرد دستگاه‌های امنیتی و نظامی در سرزمین‌های مسلمانان دیگر حفاظت از کشور و مردم، یا پاسداری از ارزش‌ها، معیارها و تمدن اسلامی نیست؛ بلکه به ریشم‌کردن هر تهدیدی علیه منافع غرب و جنگ با هر جرقهٔ امید که ثبات «نگهبانان» آنان بر کرسی قدرت را به خطر اندازد، تغییر جهت داده است آن‌هم به پناه حفظ امنیت و ثبات «وطن»؛

با این همه دولت‌ها استعمارگر در رأس آن‌ها هرگز به پناگی کارآمدی و کمیت این حاکمان برای تأمین منافعشان و تثبیت اشغال اعتماد ندارند؛ ازاین‌رو تصمیم گرفته‌اند با دهه پایگانی نظامی و فزودگاه جنگی که امروز با سرکوب می‌سبیه‌ها می‌سبکشی می‌کند، بار دیگر سرزمین‌های ما را به طور مستقیم اشغال نظامی کنند.

سوم: تلاش برای ویران‌کردن تمدن اسلامی در جان امت و کشتن تمدن و ارزش‌های غربی در زندگی مسلمانان؛ نه با هدف

دیدار هیئتی از حزب‌التحریر ولایت سودان با شیخ طریقت سمائیه در شهر دو مدنی

هیئتی از حزب‌التحریر ولایت سودان روز شنبه ۱۳/۱۳/۲۰۲۵ م با شیخ طریقت سمائیه در ولایت «الجزیره» دیدار کرد. ریاست این هیئت بر عهده استاد «مجدی مهاجر» عضو حزب‌التحریر بود و استاد «عبدالعزیز ابراهیم» عضو حزب و مهندس «ولید کامل» او را همراهی می‌کردند.

هیئت از امی با تبیین اهداف این دیدار، تصریح کرد که این بازدید در چارچوب فعالیت‌های حزب‌التحریر ولایت سودان برای به شکست کشاندن طرح آمریکا جهت تجزیه دارفور صورت‌گرفته است.

شیخ «الفتح عبدالرحمن شاطوط» از هیئت در دیدار استقبال کرد و گفت که درباره حزب بسیار می‌داند و این حزب تنها حزبی است که «به» به نخبه‌رایی که غرب و مزدورانش بر ما تحمیل می‌کنند، و «نه» به تصمیمات و ارادتی از کالاهای بی‌ارزش، زمان آن است که نقش طبیعی خود را در میان ملت‌ها باز پس گیرد، ارادش را بر تمام دنیا تحمیل کند و آگاهی غایب‌مهاش را بازباید تا حاکمیتش از دل درون خود بستاند، نه از بیرون.

همانا امت رندهٔ تسلیم تصمیمات حاکمان خائنی نمی‌شود که غرب آن‌ها را بر امت گذاشته تا نگهبانی‌های حفاظت از منافعش باشند؛ این‌همه از زمان آن رسیده که امت از شکوه رپوده‌مهاش را باز پس گیرد، شکوه حاکمیتی که بخشیده نمی‌شود. بلکه به زور گرفته می‌شود. ما نیازمندیم که هیئت کسانی را که تاریخ‌ها را ساختند بازگردانیم و نجیره‌های وابستگی غربی را که از روی قلم و تجاوز بر گردن‌هایمان سبک شده، رد کنیم.

پس شکوه و بزرگی یک رهبر نیست، بلکه پیمانی است که منتظر کسی است تا آن را تجدید کند و حاکمیت سخن نیست، بلکه عملی است که ملت‌ها آن را می‌سازند و این حزب‌التحریر است، به‌شروطی که به اهل خود دروغ نمی‌گوید که خود را وقف تلاش برای بازگرداندن این شکوه رپوده‌م کرده است. پس بشاید تا سوار کشتی نجات شویم که با آن کرامتان را از طریق برپایی خلافت راشدشان بر منجیث نبوت باز پس می‌گیرید، تا شیخ هیچ‌کس نباشیم.

فرمانده ارتش سودان، عبدالفتاح البرهان، اعلام کرد که آمادهٔ همکاری با رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، است؛ این در حالی است که مذاکراتی که آمریکا برای آتش‌بس هدایت می‌کرد، متوقف شده بود. در بیانیه‌ای از سوی وزارت خارجه‌ای که وابسته به ارتش دانسته می‌شود، آمده است که برهان در پایان سفر رسمی خود به ریاض به دعوت ولیعهد سعودی، شاهزاده محمد بن سلمان تأکید کرده است: «سودان به همکاری با رئیس‌جمهور ترامپ، وزیر خارجه‌اش مارکو رویو و فرستادهٔ او برای صلح در سودان، مسعد بولس، در تلاش‌ها

بر همکاری با رئیس‌جمهور ترامپ، وزیر خارجه‌اش مارکو رویو و فرستادهٔ او برای صلح در سودان، مسعد بولس، در تلاش‌ها برای تحقق صلح و توقف جنگ، اصرار دارد». یک منبع دولتی سودانی نیز توضیح داد که هدف از سفر رسمی برهان به ریاض، بررسی ابتکاری بوده که ولیعهد سعودی در جریان سفر اخیر رسمی خود به واشنگتن، برای پایان‌دادن به جنگ سودان به رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد کرده است.

مذاکرات صلحی که آمریکا به همراه دیگر اعضای «کمیتهٔ چهارجانبهٔ میانجی‌گری در سودان» شامل مصر، عربستان سعودی و امارات پیش می‌برد، پس از آن متوقف شد که برهان آخرین پیشنهاد آتش‌بسی را که بولس ارائه کرده بود، بدون توضیح علت، رد کرد.

پیش از این اظهارات، برهان با صدای بلند اعلام می‌کرد که جز «فیصلهٔ نظامی جنگ» و «نابودی آخرین سرباز از نیروهای واکنش سریع» رضایت نخواهد داد. اما اکنون، موضع دولت از سخن‌گفتن دربارهٔ بسیج نظامی، ریشم‌کردن میلیشیا و آزادسازی کامل اراضی سودان، به گفت‌وگو از «صلحی» تغییر کرده است که مردم سودان چشم‌انتظار آن اند!

برهان پیش‌تر «چهارجانبه» را غیر بی‌طرف توصیف کرده و فرستادهٔ آمریکایی را متهم ساخته بود که مواضع امارات متحده عربی متهم به مسلح‌کردن نیروهای واکنش سریع را تکرار می‌کند. با این همه، صحنهٔ سیاسی سودان دگرگون شد: آنچه که برهان با عقب‌نشینی آشکار، آمادگی خود را برای همکاری با رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ، به‌منظور پایان‌دادن به جنگ جاری در سودان اعلام کرد.

این نوسان‌ها در مواضع رئیس شورای حاکمیت، عبدالفتاح البرهان، چندان شگفت‌آور نیست: زیرا او در مسیر آمریکا حرکت می‌کند و سیاست‌هایش را اجرا می‌نماید. زمینهٔ این چرخش پیش‌تر نیز فراهم شده بود: آن‌گاه که ترامپ در سخنرانی خود از «معجم سرمایه‌گذاری آمریکا عربستان» گفت محمد بن سلمان از او خواسته است بحران سودان حل‌وفصل شود، و افزود که پس از نیم ساعت توضیح ولیعهد، بررسی این پرونده را آغاز کرده است؛ ترامپ همچنین در شبکهٔ اجتماعی «تروث سوشال» نوشت که از نفوذ ریاست‌جمهوری خود برای توقف فوری جنگ استفاده خواهد کرد.

واکنش برهان در روز بعد، استقبال از این تلاش‌ها بود؛ او توضیحی در پلتفرم «ایکس»، نوشت: «سیاسی‌گزارم، اعلیحضرت شاهزاده محمد بن سلمان؛ سیاست‌گزارم، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ». همچنین در بیانیه‌ای مطبوعاتی که روز چهارشنبه ۱۱/۱۳/۲۰۲۵ منتشر شد؛ بیانیه‌ای که گویی از پیش آماده شده بود شورای حاکمیت انتقالی اعلام کرد: «دولت» را تلاش‌های پادشاهی عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا بخیمیکم.

نوسان‌های موضع برهان؛ از بسیج نظامی تا صلح با ترامپ!

استاد عبد الخالق عدنان علی

برای تحقق صلح عادلانه در سودان استقبال می‌کند، از توجه آمادهٔ ارتش با رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، است؛ و کوشش‌های مستمر آنان برای توقف خون‌ریزی مردم سودان قدرانی می‌نماید و آمادگی خود را برای ورود جدی به همکاری با آنان، به‌منظور تحقق صلحی که ملت سودان در انتظار آن است، تأکید می‌کند....

به‌روشنی یاداست که آمریکا می‌خواهد ثمرهٔ جنگی را که خود برافروخته است، درو کند؛ به‌ویژه پس از آنکه نیروهای واکنش سریع کنترل کامل دارفور را در دست گرفته‌اند و همچنان بر بخش‌های وسیعی از کردفان به پناههٔ حفاظت از مرزهای دارفور مسلط‌اند. راحلی که شورای حاکمیت، برخی نیروهای سیاسی و شماری از قلم‌های رسانه‌ای از آن استقبال کرده‌اند، همان راحلی است که «کمیتهٔ چهارجانبه» مطرح کرده بود؛ راحلی که میان ارتش و نیروهای واکنش سریع تساوی قائل می‌شود و قردا را است بر همین مبنا اجرا گردد. در همین چارچوب، مسعد بولس، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا، در توییته نوشت: «به رهبری رئیس‌جمهور ترامپ، با شرکای خود برای تسهیل یک آتش‌بس انسانی و پایان‌دادن به حمایت نظامی خارجی از طرف‌ها تلاش می‌کنیم».

اما شتاب آمریکا در برداشتن گام‌ها برای پایان‌دادن به جنگ سودان، از آن‌روست که راه را بر ورود اروپا- به‌ویژه بریتانیا- به صحنهٔ سودان ببندد؛ چراکه یکی از اهداف این جنگ شوم، کنارزدن بریتانیا و نیروهای وابسته به آن از معادلهٔ بود؛ با از میان بردن آنچه «توافقی چارچوبی» نامیده می‌شد، و این هدف تحقق یافت.

تلقین آمریکا با تلاش پیگیر می‌کوشد «بخت‌ویز» خود را کامل کند و همان‌گونه که پیش‌تر به نام صلح، جنوب سودان را جدا کرد، این بار نیز با جداکردن اقلیم دارفور، جنگ را پایان دهد؛ و می‌خواهد بولس، مشاوران سناریو را دوباره تکرار کند. امروز نیز با همان شیوهٔ پیش می‌رود: توقف جنگ و شعار صلح، برای خود، حیثیتی را در این منطقه فراهم کرده و چشم بر تشکیل دولت ملوای در آن‌جا بسته است. فرستادهٔ ویژهٔ مسعد بولس، همچنان از «دو طرف» سخن می‌گوید؛ یعنی همچنان ارتش را هم‌سنگ نیروهای واکنش سریع قرار می‌دهد.

این سود مردم آن یک سوراخ دوبار گزیده نشود. شتابان برعزیزید و ششدهٔ آمریکا برای جداسازی دارفور را با بازگشت به احکام اسلام ناکام بگذارید؛ همان‌گونه که پروردگارتان، الله سبحانه‌وتعالی، شما را فرمان داده است. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «فَإِنْ تَوَلَّوْاْ عَنْهُ فِى شَىْءٍ فَرُدُّوْهُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِیْمٌ» این کُتْمُ ثُمُونُونِ باللهِ وَاللَّوْمُ الْاَکْثَرُ». و اگر در چیزی با یکدیگر اختلاف پیدا کردید، اگر به الله سبحانه‌وتعالی و روز آخرت ایمان دارید، آن را به الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بازگردانید». کسانى که در این سفر اجرائی نقشه‌های آمریکا گام می‌بردارند بگیرند و آنان را با قاطعیت به‌سوی یک بازگردانید و با حزب‌التحریر برای برپایی خلافت راشده دوم بر منج نبوت همکاری کنید؛ خلافتی که دست بازیگران ویرانگر و حردت‌سرمیزین ما را قطع خواهد کرد. «إِنَّا أَنبَاهُ الذِّیْنَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا غَدَاكُمْ مِنَ الْأَمْرِ»

ثروت‌های امت توسط دسته‌ای جنایت‌کار، طبق هوس‌هایشان و منافع اربابان‌شان تصرف می‌شود

مزدوری کشور‌های خلیج به غرب کافر استعمارگر باعث شده است که سیاست‌های اقتصادی آنان، تابعی از تصمیمات واشینگتن و لندن باشد، نه برگرفته از نیاز‌های امت و آرمان‌های آن. ثروت‌های کلانی که می‌توانست زیربنای صنایع سنگین را بنا کند، کشاورزی را احیا نماید و موتور محرک خیزش تمدنی امت باشد، اکنون تنها به ابزاری برای «صف‌تازان» و «دلجویی از قدرت‌های بزرگ» در بازی‌های مالی‌المللی تبدیل‌شده است؛ بازگویی نابرابری که در آن، مسلمانان نقش می‌فرمایند ندارند.

مشکل اینجاست که این ثروت‌ها با ذهنیت «ملک شخصی» مدیریت می‌شوند، نه با ذهنیت ثروت‌های عمومی امت که متعلق به تمام مسلمانان است. در نتیجه، دسته‌ای جنایت‌کار در آن تصرف می‌کنند و آن را میان خوش‌گذرانی‌های خود و کمک‌های بلبولنی که به کشورهای غربی می‌سازند و مسلمین تقدیم می‌کنند، به باد می‌ریزند؛ تا در نهایت به تجهیزات و هواپیماهایی تبدیل شود که سرزمین‌ها را با آن‌ها بمباران و فرزندندان با آن‌ها کشته می‌شوند!

ازاین‌رو، زمان آن فرا رسیده است که امت اسلامی آگاهی خود را بازباید و درک کند که ثروت‌هایش ملک حاکمی گذرا یا دسته‌ای از زردان نیست که در برپه‌ای عاج خود و به دور از رنج‌های امت زندگی می‌کنند.

نفعت، گاز، طلا و سایر نعمت‌ها، چ‌کهایی نیستند که به غرب بخشیده شوند و نه پس‌انداز‌هایی که در کاخ‌های حکام و معاملاتشان هدر رود؛ بلکه حق تمام امت و امانتی هستند که الله سبحانه‌وتعالی پیش از یک، بر دوش امت نهاده است؛ براین‌پای، واجب است که امت به قدر خود پی ببردند، همهٔ ترس از حاکم‌شان را بشکنند و بداندند که خیزش، نه با هدایای خارجی حاصل می‌شود و نه با وعده‌های غریب، بلکه زمانی محقق می‌شود که امت سخن خود را بگوید و حقش را ببستاند. امتی که مال خود را در دست ظلمیانگران رها کرده آیدهاش را می‌بازد و امتی که ثروت‌هایش را باز پس گیرد، عزت و جایگاهش را در میان ملت‌ها بازمی‌یابد. این امر محقق نخواهد شد مگر با بازگشت دولت اسلامی؛ پس همراه با حزب‌التحریر برای اری‌پایی آن به‌معنوان حاکم‌های راشده بر روش نبوت، سخت تلاش کنید، برای عزت و کرامتتان در دنیا و آخرت.

«وَأَخِرْ جُوهَهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخِرْ جُوهُكُمْ»

ای ارتش‌ها در سراسر سرزمین‌های اسلامی، همانا هر محاب چشم و بصیرتی درک می‌کند که تنها راه یاری غزه و مردم‌ش، حرکت صلح برای ترمیم دیوار غم‌بخت آن سرزمین مبارک است. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَأَخِرْ جُوهَهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخِرْ جُوهُكُمْ». و آنان را از همان‌جا که شما را بیرون کردند، بیرون کنید». اما حکام‌خان و مزدور هم فراموش‌های در ارتش‌ها را می‌پندید که گاه هم‌چام‌جسوسی به‌رسمیت‌شناختن رژیم غاصب یهود حرکت می‌کنند؛ در چارچوب آنچه پیمان‌های ابراهیم نامیده می‌شود و دیگر گام‌گذاری‌هایی که الله سبحانه‌وتعالی هیچ دلیلی برای آن نازل نکرده است.

این خیانتی به اسلام و مسلمین، فروختن قلبهٔ اول و سومین حرم شریف و کوتاهی در سرزمینی اسلامی است که ملک امت می‌باشد. مسئولیت شماسهٔ که به هیچ رهبر سیاسی یا نظامی اجازهٔ تضحید حتی یک وجب از خاک فلسطین اسلامی را به یهود یا هر کافری تسلیم کند، هرچند پهایی که می‌پردازد سنگین باشد.

همچنین هرچند شده است که راحل خود دولتی، علوه بر حرام بودن، چیزی جز یک فریب نیست؛ چرا که واقعیت، یک دولت یهودی واحد است، درحالی‌که دولت ادعایی فلسطین چیزی جز یک نهاد فضیضتر از شهرداری نخواهد بود که بر حدود ۱۰ درصد از زمین بنا شده

است و حتی این را هم حاکمان یهود رد می‌کنند؛ پس آن دولت نیست، بلکه زندانی وسیع است که نگهبانشن سربازان یهود هستند.